

## بررسی و تحلیل گفتمان اعتدال در روایات و سیره امام سجاد (ع)

دکتر فهیمه کلباسی اصفهانی<sup>۱</sup>

### چکیده

برای تبیین امور مختلف سیاسی و از جمیع گفتمان اعتدال، یکی از بهترین روش‌ها تبیین سیره و ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که در تمام طول حیات سیاسی خود بر مدار اعتدال حرکت کرده‌اند و سیره امام سجاد(ع) به‌عنوان چهارمین امام تشیع در این زمینه حائز اهمیت است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از شیوه کتابخانه‌ای به دنبال بررسی و تحلیل گفتمان اعتدال در سیره امام سجاد(ع) می‌باشد که نتیجه آن گویای آن است که این موضوع در چهار محور عدم دخالت در جریان‌های سیاسی، تقیه سیاسی، احتیاط در مواجهه با عبدالملک و احیای فرهنگ دعا و عبادت و آموزش هسته مرکزی دین قابل بررسی است.

**واژگان کلیدی:** امام سجاد(ع)، اعتدال، روایات، حکومت اموی، تشیع.

### مقدمه

گفتمان اعتدال به‌عنوان یکی از گفتمان‌های سیاسی نیازمند تبیین بر اساس مبانی اصیل دینی و قرآنی می‌باشد و برای همین بررسی و تحلیل آن در روایات و سیره ائمه اطهار علیهم السلام می‌تواند به تبیین درست آن کمک نماید. امام سجاد(ع) که بعد از رخداد کربلا رهبری شیعیان را در یکی از سخت‌ترین دوران‌های تاریخ تشیع برعهده داشت باید با بازسازی دوباره تشیع ضمن عبور دادن تشیع از بحران موجود زمینه را برای فعالیت‌های گسترده امام باقر(ع) و امام صادق(ع) فراهم می‌کرد و در این راستا با تأسی از اجداد بزرگوارش با گزینش سیاست اعتدال در مقابل حکومت اموی، خلافت زبیری و دیگر جریان‌های سیاسی توانست به این مهم دست یابد. این مقاله به دنبال تبیین گفتمان اعتدال در روایات و سیره امام سجاد(ع) می‌باشد

### امامت امام سجاد(ع)

رهبری شیعیان در این دوره بر عهده امام سجاد(ع)، تنها فرزند امام حسین(ع) که از کربلا جان به در برده بود، قرار داشت.<sup>۱</sup> امام سجاد(ع) در کربلا حضور داشت و روز عاشورا به دلیل بیماری و تب شدید نتوانست در میدان نبرد حاضر شود. پس از آن، ابن

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، fah\_kalbasiifahani@yahoo.com، ۰۹۱۲۴۹۶۸۰۱۸

زیاد قصد کشتن وی را داشت که حضرت زینب (س) مانع شد و به این ترتیب وی همراه اسیران به دمشق رفت و از آنجا به مدینه بازگشت.<sup>۲</sup> در شرایطی که تصور نابودی اساس تشیع وجود داشت، امام سجاد (ع) می‌بایست کار را از صفر شروع کند و مردم را به سمت اهل‌بیت (ع) بکشانند. امام (ع) در این راه با اعتدال سیاسی موفقیت زیادی را کسب کرد. این موفقیت در تاریخ تأیید شده است؛ زیرا امام سجاد (ع) توانست شیعه را حیاتی نو بخشد و زمینه را برای فعالیت‌های آینده امام باقر (ع) و امام صادق (ع) فراهم کند.<sup>۳</sup> تاریخ گواه است که امام سجاد (ع) در طول ۳۴ سال فعالیت، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش عبور داد. دورانی که جز سرکوبی شیعه به وسیله زبیریان و امویان نشان روشنی نداشت. امام (ع) برای اینکه شیعیان از این بحران عبور دهد راهبردهایی مبتنی بر اعتدال سیاسی به شرح ذیل برگزید:

### ۱- عدم دخالت در جریان‌های سیاسی

امام سجاد (ع) بعد از واقعه کربلا با سنجش دقیق امور اهتمام خود را بر بی‌طرفی و عدم دخالت در جریان‌های سیاسی گذاشت که در تمام دوران خلافت عبدالملک نیز این وضعیت ادامه داشت. در این سالها، دو نهضت شیعی در عراق رخ داد که به رغم موفقیت موقت یکی از آنها، هر دو با شکست مواجه شد. این دو نهضت یکی نهضت توابین و دیگری نهضت مختار بود که به لحاظ رهبری، هیچ کدام دست کم در ظاهر، رهبری امام سجاد (ع) را در میان خود نداشتند. در برخی نقلها آمده است مختار پس از آنکه موفق شد در کوفه شیعیانی را به سوی خود جذب کند، از امام علی بن حسین (ع) استمداد جست، اما امام (ع) روی خوش نشان نداد.<sup>۴</sup> چنین موضعی از سوی امام (ع) با توجه به سیاستی که امام (ع) تا پایان امامت دنبال کرد، منطقی به نظر می‌رسد. امام (ع) از پس از حادثه کربلا دریافته بود که امکان احیای این جامعه مرده با در دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد. به علاوه درگیر شدن در یک حرکت سیاسی دیگر، با وجود قدرت دیگر احزاب، خطراتی در پی داشت که به خطر آن نمی‌ارزید. به همین دلیل، ماهیت حرکت امام (ع) در دوران امامت، به خوبی نشان می‌دهد که حرکت امام (ع) تنها یک حرکت سیاسی نبوده و در بسیاری از موارد به وضوح بر کنار از سیاست به معنای مشخص فعالیت سیاسی بوده است.

امام سجاد (ع) به دلیل شرکت نکردن در جریان‌های سیاسی، فاصله‌ای میان خود و حکومت اموی ایجاد کرد. آنان هیچ بهانه‌ای برای برخورد با امام سجاد (ع) نداشتند. آن حضرت، حتی در شدیدترین تحولات مدینه یعنی واقعه حره، در هیچ حرکت انقلابی بر ضد امویان شرکت نکرد. این موضع، نه تنها موضع امام سجاد (ع) بلکه موضع همه بنی هاشم و چهره‌های برجسته آن، مانند محمد بن حنفیه و عبدالله بن عباس و دیگران بود. زمانی که مسلم بن عقبه، معروف به مسرف، حرکت مردم مدینه را سرکوب کرد و یکی از بزرگ‌ترین جنایات عصر اموی را مرتکب گردید، با علی بن حسین (ع) به ملایمت برخورد کرد و این به دلیل آن بود که امام (ع) در این حرکت شرکت نداشت. مسلم بن عقبه از مردم چنان بیعت گرفت که خود را برده یزید بدانند، اما با علی بن

۱- مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۲۸۴

۲- بلعمی، تاریخنامه طبری، ج ۴، تحقیق محمد روشن، تهران، جلد ۱ و ۲، سروش، چ دوم، ۱۳۷۸ ش، جلد ۳، ۴، ۵، البرز، چ ۳، ۱۳۷۳ ش، صص ۷۳۴-۷۱۳

۳- جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم، انصاریان، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵

۴. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن المصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸، ص ۱۲۶.

حسین (ع) به صورت عادی بیعت شد.<sup>۱</sup> قبل از آمدن امام (ع) نزد مسلم، او به امام و نیاکان حضرت دشنام می داد. اما زمانی که امام (ع) وارد شد، او به آرامی با آن حضرت برخورد کرد. وقتی امام رفت، از مسلم درباره این برخوردش پرسیدند و او گفت: این برخورد دوم خواسته من نبود، اما قلب من از رعب و وحشت پر شد.<sup>۲</sup>

با نگاه به سابقه مناسبات علویان و امویان، امام (ع) مورد سوء ظن شدید امویان بود و کوچک ترین حرکت از ناحیه حضرت، عواقب وخیمی در پی داشت که طبعاً در نظر امام (ع)، ارزش دست زدن به این اقدامات را نداشته است.

## ۲- تقیه سیاسی

مهم ترین اصل دینی - سیاسی که امام (ع) با استفاده از آن، روزگار سیاسی خود را می گذراند. تقیه بود. سپری که شیعیان در تاریخ، با استفاده از آن، حیات خویش را تضمین کرده و امام معصوم (ع) بارها و بارها شیعه را به این موضوع توجه می دادند. «البته کسانی که با داشتن آزادی نیازی بدان نداشته اند، با وجود صراحتی که در قرآن نسبت<sup>۳</sup> بدان وجود دارد، آن را انکار کرده اند تا شیعه را تضعیف کنند. اهل سنت به دلیل در اختیار داشتن حکومت، نیازی به تقیه نداشته و تنها برای متهم کردن شیعه، تقیه را از حوزه احکام فقهی مسلم اسلامی خارج کردند. تکیه بر اصل تقیه گرچه قرآنی است، اما از لحاظ فقهی، بیشتر از ناحیه امامانی تأکید شد که خود گرفتار آن بودند. امام سجاد (ع) واقعاً در شرایط سختی زندگی می کرد و جز تقیه راه دیگری نداشت. اساساً همین تقیه بود که حفظ شیعه را در آن اوضاع موجب شد. چیزی که خوارج به عنوان یک گروه افراطی، از آن بی بهره بودند و به همین دلیل ضربه های بسیار اساسی خوردند».<sup>۴</sup> در این دوران که عبدالملک که سیاست سرکوب و کشتار بیر رحمانه را در برابر مخالفان پیش گرفته بود، دورانی سخت و طاقت فرسا را برای امام سجاد(ع) و خاندان پیامبر (ص) به وجود آورد.

## ۳- احتیاط در مواجهه با عبدالملک

عبدالملک بر محدود کردن فعالیت های امام(ع) راهبردهایی به شرح ذیل داشته است:

عبدالملک جاسوسانی را بر امام (ع) گمارد و بدین طرق تمام فعالیت های فرهنگی، مذهبی و سیاسی ایشان را تحت کنترل گرفت.<sup>۵</sup>

اذیت و آزار امام (ع) و محدود کردن فعالیت های آن حضرت از طریق والی مدینه. هشام بن اسماعیل که از طرف عبدالملک با اختیار تام بر مدینه حاکم بود،<sup>۱</sup> فرمانروایی ستمگر بود و با آل محمد دشمنی و کینه داشت. امام علی بن حسین (ع) و خاندانش را

۱- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۲۱۵؛ یعقوبی، یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۵.

۲- مسعودی، مروج الذهب، پیشین، ج ۲، ص ۹۵

۳- قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۰۶

۴- جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، پیشین، ص ۲۷۳

۵- خضری، تشیع در تاریخ، قم، معارف، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱

مورد آزار قرار می‌داد و تهین می‌کرد.<sup>۲</sup> در عین حال امام (ع) به هیچ عنوان نسبت به وی کینه نداشت و حتی زمانی که فرصت انتقام انتقام یافت او را بخشید. گذشت که مخصوص خاندان ائمه که اطهار علیهم السلام می‌باشد. «آنگاه که ولید بن عبد الملک دستور داد، وی را از فرمانداری معزول کنند و از مردم خواست در برابر خانه مروان بایستند تا چنانچه حقی از مردم پایمال نموده وی را بازخواست نمایند. اما هشام که از رفتار خود بیش از همه واقف بود می‌گفت: جز از علی بن الحسین (ع) از هیچ کس بیم ندارم؛ و بدین ترتیب هر کس از برابر او می‌گذشت، وی را دشنام می‌داد و لعن و نفرین می‌کرد. در همین موقع بود که امام زین العابدین (ع) در حالی که عده‌ای از اهل بیت و غلامان گرد او حلقه زده بودند دیده شد که به سوی هشام پیش می‌آید. پس هشام دست و پای خود را گم کرد. گویی مرگ را به چشم خود می‌دید. اما بر خلاف تصور وی، امام (ع) بر وی سلام کرد و به یاران خود نیز توصیه فرمود: که هرگز به وی آزار و آسیبی نرسانند. هشام با مشاهده این همه بزرگواری امام (ع) که هرگز چنین انتظاری را نداشت با لحن خاصی گفت: خداوند از هر کس داناتر است که چه کسی را به رسالت برگزیند».<sup>۳</sup>

یکی دیگر از سیاست‌های عبدالملک این بود که از طریق عمالش می‌کوشید تا بین علویان و زبیریان را که از قبل اختلاف وجود داشت بیشتر بر هم زده و آنها را به خود مشغول کنند. در یکی از این محافل بود که امام سجاد (ع) خود را به تمارض زد و حضور نیافت. عبدالملک خاندان علی را مجبور می‌کرد تا دشنام به علی دهند؛ همان‌گونه که زبیریان را وادار می‌کرد تا به عبدالله بن زبیر دشنام دهند.<sup>۴</sup>

سیاست دیگر عبدالملک این بود که اهل بیت علیهم السلام را از لحاظ مالی در فشار قرار دهد. در راستای این سیاست وضع اهل بیت علیهم السلام از نظر مالی به صورتی درآمد بود که بعدها حاکم عراق درباره ایشان نوشت: «اهل این طایفه از بنی هاشم به صورتی بود که از گرسنگی رو به هلاک بودند؛ به طوری که تمام هیبت آنها تهیه مخارج یک روزشان بود».<sup>۵</sup> بدگویی نسبت به امام علی (ع) برای آزار امام سجاد (ع) و همچنین تضعیف شخصیت آن حضرت. این رسم در دوران خلافت امویان رایج بود و عبدالملک هم به آن اهتمام داشت و حتی این امر در مدینه که امام سجاد (ع) در آن ساکن بود اجرا می‌شد. «هشام بن اسماعیل فرمانروایی ستمگر بود و با آل محمد دشمنی و کینه داشت. امام علی بن حسین (ع) و خاندانش را مورد آزار قرار داد، و در خطبه‌هایش بر منبر از امام علی (ع) بدگویی می‌کرد».<sup>۶</sup>

حجاج به علت کینه شدیدی که از ائمه اطهار علیهم السلام داشت از عبدالملک خواست به او اجازه دهد تا امام سجاد (ع) را بکشد. عبد الملک برای حجاج نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خون فرزندان عبد المطلب را حفظ کن و از ریختن خون آنان حذر و

۱- مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۰

۲- حیدر اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴

۳- یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۴

۴- زبیر بن بکار، نسب قریش، ص ۸۳

۵- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۰۶

۶- حیدر اسد، پیشین، ص ۱۷۴

اجتناب کن! زیرا من دیدم که آل ابو سفیان چون خون اولاد عبد المطلب را ریختند، در دنیا چندان مکثی نکردند تا اینکه ریشه کن شدند».<sup>۱</sup> علت جواب منفی عبدالملک به حجاج درباره کشتن امام سجاد (ع) به دلایل ذیل باز می‌گشت: عبدالملک از تجربه کربلا به خوبی دریافته بود که چگونه آن رویداد، حکومت اموی را درگیر جنبشها و قیامهایی کرد که به خونخواهی امام حسین (ع) و یارانش برپا گردید و امویان را سالها به خود مشغول ساخت. عبدالملک می‌دانست که شهادت امام (ع) بازتاب خواهد داشت و ممکن است شیعیان و دوست داران آن حضرت به خونخواهی وی قیام کنند.

امام سجاد (ع) به علت رعایت اصول تقیه؛ هیچ بهانه‌ای به حکومت اموی برای اتخاذ خشونت در برابر آن حضرت نداد. «در جمع باید گفت، ملایمت امام (ع) در برخورد با امویان، سبب شد تا آن حضرت زندگی آزادی در مدینه داشته و کمتر توجه مخالفان را به خود جلب کند؛ به علاوه، بُعد عملی امام در جهت حفظ دین تجلی بیشتری بیاید. تمجیدهای فراوان از امام (ع) که از زبان عالمان اهل سنت باقی مانده، شاهد این سخن است. اگر امام (ع) درگیر سیاست شده بود، آنان به خود اجازه نمی‌دادند تا بدین پایه شخصیت امام (ع) را وصف کنند».<sup>۲</sup>

عبدالملک در یکی از سفرهای خود در طواف خانه خدا با امام سجاد (ع) روبرو شد؛ در حالی که امام (ع) از طرف حاجیان در حالهای از احترامات قرار داشت. عبد الملک علیرغم شناخت امام (ع) به علت حسادت از یکی از اطرافیاناش پرسید این کیست؟ گفتند: این علی بن حسین است. عبدالملک رو به امام (ع) کرد و گفت: ای علی بن حسین من قاتل پدر شما نیستم، پس چه باعث شده است که نزد ما نمی‌آیی؟

امام (ع) اعتنایی به او نفرمود و در پاسخش گفت: همانا قاتل پدرم با عملی که مرتکب شد، دنیای پدرم را تباه کرد و پدرم نیز آخرت را بر او تباه فرمود، پس اگر تو نیز دوست داری که چون قاتل پدر من باشی، بوده باش.

عبد الملک از آن حالت نخوت پایین آمد و گفت: هرگز، اما نزد ما بیا تا از دنیای ما برخوردار شوی. امام (ع) از دادن پاسخ به وی خودداری کرد.<sup>۳</sup>

در مورد دیگر به عبد الملک اطلاع دادند که شمشیر رسول خدا (ص) در نزد امام (ع) است. عبدالملک کسی را نزد امام (ع) فرستاد تا شمشیر را به وی هدیه دهد و در عوض از او چیزی بخواهد. امام (ع) از پاسخ به درخواست او خودداری کرد. عبد الملک در نامه‌ای که به آن حضرت نوشت او را تهدید کرد که از بیت المال مقرری او را خواهد برید. پس امام (ع) چنین پاسخ داد: «باری خدای متعال برای پرهیزگاران ضمانت کرده است گریزگاهی را از جایی که خود نمی‌خواستند و روزی را از جایی که فکرش را نکرده‌اند

۱- مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۲۱

۲- جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، پیشین، ص ۲۷۴

۳- مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۱

فراهم کند، و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ»<sup>۱</sup> بدرستی که خداوند دوست نمی‌دارد هر خیانتکار ناسپاس را» اکنون ببین کدام یک از ما به این آیه سزاوارتریم، و السلام»<sup>۲</sup>.

در این دوران شیعیان در وضعیت بغرنجی قرار داشتند و در تنگنای شدید قرار گرفتند و حالت سردرگمی بر آنان حاکم شده بود که برای این امر می‌توان دلایل ذیل را ذکر کرد:

شهادت جانسوز امام حسین (ع) و یاران فداکارش در کربلا که شیعیان را در بهت و حیرت فرو برده بود. کربلا از نظر روحی، شکست بزرگی برای شیعه بود و به ظاهر این‌گونه مطرح شد که دیگر شیعیان نمی‌توانند سر بر آورند. شماری از اهل بیت (ع) و در رأس آنها امام حسین (ع) به شهادت رسیدند و تنها یک نفر از فرزندان ذکور امام حسین (ع)، از نسل فاطمه (س) باقی مانده بود که البته در آن شرایط شهرتی نداشت؛ به ویژه که فرزند بزرگ امام حسین (ع)، یعنی علی اکبر، نیز به شهادت رسیده بود.

شکست سپاه توأبین در عین الوردی که شیعیان کوفه را داغدار کرده بود.

شکست قیام مختار ثقفی که امیدی تازه به شیعیان داده بود، موجب تألم شدید شیعیان شده بود.

سخت گیر، تعقیب و آزار شدید امویان که اجازه هیچ‌گونه تحرکی را به شیعیان نمی‌دادند.

شهادت بزرگان و نامدارن شیعه همچون کمیل بن زیاد، قنبر، و ... که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

تفرقه بین شیعیان که گروهی به محمد بن حنفیه پیوسته بودند و گروهی به امام سجاد (ع).

توسعه فعالیت غلات در مناطق مختلف که شیعیان در آنجا ساکن بودند.

#### ۴- احیای فرهنگ دعا و عبادت و آموزش هسته مرکزی دین

در روزگار پس از واقعه کربلا، جامعه اسلامی، به تدریج از آموزه‌های دینی تهی و تربیت دینی مردم مختل شد. امویان که سردمداران حکومت بودند، به ارزشهای جاهلی توجه داشتند و آنها را میان مردم احیا می‌کردند. در این شرایط که به لحاظ سیاسی هم بسیار سخت و دشوار بود، امام سجاد (ع) با روی آوردن به احیای فرهنگ دعا و عبادت و آموزش هسته مرکزی دین، یعنی ایجاد ارتباط با خداوند، کار خود را آغاز کرد و ادامه داد. او به احیای حدیث رسول الله (ص) پرداخت و تلاش کرد تا دین صحیح و درست را به مردم آموزش دهد»<sup>۳</sup> محمد بن سعد، مورخ برجسته درباره آن حضرت نوشته است: «كان عليّ بن الحسين ثقةً مأموناً كثير الحديث عالياً رفيعاً ورعاً»<sup>۴</sup>.

#### نتیجه

۱- قرآن کریم، سوره حج، آیه ۴۰

۲- محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، بیروت، دارالتعارف، افست سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ص ۹۸۰

۳- جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، پیشین، ص ۲۸۰

۴- ابن سعد، پیشین، ج ۵، ص ۲۲۲.

امام سجاد(ع) که بعد از رخداد کربلا رهبری شیعیان را در یکی از سخت‌ترین دوران‌های تاریخ تشیع برعهده داشت که در این راستا با تأسی از اجداد بزرگوارش با گزینش سیاست اعتدال در مقابل حکومت اموی، خلافت زبیری و دیگر جریان‌های سیاسی که عدم دخالت در جریان‌های سیاسی، تقیه سیاسی، احتیاط در مواجهه با عبدالملک و احیای فرهنگ دعا و عبادت و آموزش هسته مرکزی دین از جمله شاخصه‌های آن بود توانست با بازسازی دوباره تشیع ضمن عبور دادن تشیع از بحران موجود زمینه را برای فعالیت‌های گسترده امام باقر(ع) و امام صادق(ع) فراهم نماید.

## منابع و مآخذ:

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای

- ابن اثیر، عزالدین، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش  
 ابن سلام، ابی عبید القاسم، النسب، تحقیق مریم محمد، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۹م، الطبعة الاولى  
 ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق  
 ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ش  
 ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (م ۷۷۴)، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶  
 بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۴۱۷/۱۹۹۶  
 بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، چاول، ۱۳۳۷ش  
 جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم، انصاریان، ۱۳۸۱  
 حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ترجمه علیرضا کهنسال، مشهد، عاشوراء، ۱۳۷۹ش  
 حیدر اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹  
 دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ش  
 ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۹ق  
 صدوق، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامع مدرسین، ۱۴۰۳ق  
 طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملک، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش  
 طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن المصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸  
 مجلسی، بحار الانوار، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ش  
 محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، افست سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد  
 مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲ش



..... مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴،

چاپ پنجم

مقدسی، محمد بن طاهر، البدء و التاريخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چ اول، ۱۳۷۴ش

مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۰ ش.

منتظر القائم، اصغر، تاریخ امامت، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷ش، چاپ ششم

یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش